



جایگاه معشوق و عاشق در دوبیتی‌های عامیانه باباطاهر همدانی

میثم ابراهیمی^۱، حسین اورعی^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی - ادبیات حماسی، دانشگاه حکیم سبزواری

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی - ادبیات عامه، دانشگاه شیراز

چکیده

عشق و حالات ظاهری و رفتاری عاشق و معشوق از موضوعاتی همگانی است که در میان تمام جوامع به گونه‌ای متفاوت رخ می‌نماید. تمامی اقوام از روزگاران کهن خواه به نظم و خواه به نثر از عشق سخن‌ها گفته‌اند به طوری که اشعار شاعران زیادی با عاشقانه‌سرایي و توصیف معشوق و عاشق پیوند خورده است. باباطاهر همدانی از جمله شاعران دوبیتی‌سرا است که به دلیل اشعار عاشقانه در دوبیتی‌های عامیانه خود شهرت بسیاری دارد. بدنه اصلی این پژوهش را جایگاه معشوق و عاشق در دوبیتی‌های عامیانه باباطاهر همدانی تشکیل می‌دهد و به روش کتابخانه‌ای و مطالعه موردی انجام شده و در پایان این نتیجه حاصل شده است که باباطاهر همدانی شاعر عشق است و معشوق محور اصلی دوبیتی‌های عامیانه اوست. شعر باباطاهر سراسر عشق است و در جای‌جای اشعارش به توصیف ویژگی‌های ظاهری معشوق از جمله وصف خال، گیسو، صورت، ابرو، چشم و قامت و توصیف ویژگی‌های رفتاری از جمله وصف بی‌اعتنایی، بی‌وفایی و ناز معشوق پرداخته و معشوق خود را با وجود ویژگی‌های رفتاری منفی زیباترین و در عین حال بهترین می‌داند. در این بین در اشعار این شاعر به وصف برخی از ویژگی‌های رفتاری عاشق از جمله دل‌تنگی، پایداری و غیرت‌ورزی عاشق نیز اشاره شده است. در پایان این که عشق و معشوق در شعر باباطاهر همدانی به دو صورت عاشقانه و عارفانه جلوه‌گر شده است.

واژگان کلیدی: باباطاهر همدانی، عشق، عاشق، معشوق، دوبیتی عامیانه.



۱. مقدمه

هنگامی که سخن از ادب عامه به میان می‌آید، تمام توجه‌ها ناگهان به سمت مردم کوچه بازار و روستایی متمایل می‌شود. ادبیاتی که تمام هستی و جاودانگی خود را از سینه مردمانی مخلص و با صفا امانت می‌گیرد. ادبیاتی که تمام ناممکن‌ها را زیر پا گذاشته و داشته‌های خود را در اختیار آدمیان می‌گذارد. ادب شفاهی یا همان ادب عامه نوعی از ادبیات است که شاکله آن بر روی شفاهی بودن و شکل ساده انتقال بنا شده است. این نوع از ادبیات دارای مضامین بسیاری است که یکی از آن‌ها حول محور عشق، عاشقانه‌ها و تغزل می‌چرخد. محوری که تمام درون مایه آن سرشار از احساسات و درونیات عاشقانی است که حال دل خود را به وسیله اشعاری که دارای مضامینی همچون فراق، دل‌تنگی، شوق به گفت‌وگوهای عاشقانه و... است بیان می‌کنند. در بومی سروده‌های مناطق مختلف، مضامین عاشقانه با جلوه‌های بیشتری به چشم می‌خورد. عاشقانه‌ها در این نوع شعری گستردگی و تنوع خاصی دارند (ذوالفقاری و احمدی، ۱۳۸۸). زیبایی معشوق همواره شعر آفرین بوده است. چه در ادبیات کلاسیک و چه در ادبیات عامیانه مضمون بسیاری از غزل‌ها و سروده‌هاست عشق موضوع اصلی بومی‌سرایان همه گویش‌هاست و اثر بخشی این ترانه‌ها به سبب عشق پاک و بی‌آلایشی است که در آن‌ها وجود دارد (ستوده و همکاران، ۱۴۰۱). جز در ادب رسمی، در ادبیات و به خصوص شعر عامیانه نیز به این موضوع توجه شده است و شاعران با کمک صور خیال و توصیف، تصویر معشوق مطلوب را نشان داده‌اند که با بررسی اشعار عامیانه، می‌توان به نوع نگرش به این موضوع، در دیگر خرده فرهنگ‌های ایرانی پی برد» (طاهری عبده‌وند و کریمی نورالدین‌وند، ۱۳۹۸). ادب عامه به دلیل سادگی و صفایی که دارد محفلی مناسب برای بیان کردن بسیاری از دردها و رنج‌هایی است که عاشق تحمل کرده و حتی بسیاری از شاعران از سادگی و صمیمیت ادب عامه استفاده کرده و بسیاری از آثار خود را در این زمینه و در بعضی موارد به گویش محلی سروده‌اند. یکی از این شاعرها که به این مهم پرداخته، باباطاهر همدانی یا همان باباطاهر عریان است که برای گفت‌وگو در شعر خود از ادب عامه استفاده کرده است و تأثیری که ادب عامه بر این شاعر گذاشته را نمی‌توان انکار کرد. دوبیتی از قالب‌های کهن شعری که در بین همه قشرها مقبول افتاده است. شاعران کلاسیک و نیز عامیانه از آن برای بیان مقصود خود استفاده کرده‌اند. قالب دوبیتی ارتباط مستقیمی با احساس آدمی دارد و بدون آن که شاعر را در تنگنا بیندازد با بیان ساده خود تمام احساسات را بیان می‌کند. همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، دوبیتی برای بیان احساسات کاربرد بیشتری دارد و شاید مهم‌ترین تفاوت آن با قالب مشابه یعنی رباعی همین نکته باشد. همچنین لازم به ذکر است که رباعی در اغلب موارد با عقل و منطق سر و کار دارد. رباعی از قدیم قالب محبوب عرفای فارسی زبان محسوب می‌شده است. صوفیه با سرودن رباعی به رواج این قالب شعری کمک بسیاری کرده‌اند (محبتی و شکوفگی، ۱۳۹۹). دوبیتی در ادب عامه نیز کاربرد فراوانی دارد و شاید یکی از دلایل این امر ساده بودن قالب و راحت بودن فهم آن برای مردم باشد. قالب رایج بومی سروده‌ها، دوبیتی است. همان‌گونه که نخستین اشعار لهجه‌های محلی ایران به شکل دوبیتی بوده و فهلویات نامیده می‌شده است.» (ذوالفقاری و احمدی، ۱۳۸۸). در واقع باید گفت «این ترانه‌ها که زبانی ساده اما مضامینی لطیف، زیبا و عمیق دارند، از دیدگاه‌های مختلف ادبی، روان‌شناختی، مردم‌شناختی، نشانه‌شناختی و... قابل تحلیل و بررسی هستند چرا که در حکم اسنادی مکتوب جهت شناخت طبقه عامه هستند که تاریخ و فرهنگ و باورهایشان در



تواریخ و ادب رسمی ثبت نشده است» (قوم و اسپرغم، ۱۳۹۴). هنگامی که دوبیتی‌های عامیانه مورد بررسی قرار می‌گیرند با این نکته بسیار مواجه می‌شویم که زن و در معنای کلی، معشوق جایگاه مهمی در این قالب شعری دارد. شاعر عامیانه برای آن که به طور مناسب شرح حال و دل‌تنگی خود را بروز دهد ناگزیر به استفاده از این قالب است تا با کوتاه‌ترین جملات حال دل خود را عرضه نماید. دوبیتی شعری ساده و مربوط به عموم مردم است، مردمی که حتی بعضی از آن‌ها از نوشتن و خواندن نام خود هم عاجزند. در چنین قالب بسیط و ساده، گنجاندن مضامین عرفانی که علم و معرفت قبلی می‌طلبد کاری آسان نیست، اما باباطاهر بر این مشکل فائق آمده است. باباطاهر در قالب بسیار کوتاه و کوچک دوبیتی و قالبی که مخصوص عشق و محبت‌های صوری و طبیعی است هم سخن از دل عاشق گفته است و هم از دل عارف. هم سخن از این جهان است و هم سخن از آن سرای. باباطاهر در ترانه و دوبیتی کاری کرده است که سه قرن پس از او حافظ با غزل کرده است (دانش پژوه، ۱۳۷۹). باباطاهر همدانی که از پیشگامان دوبیتی‌سرایی بود، بسیاری از دوبیتی‌های خود را با گویشی عامیانه و نزدیک به زبان مردم سروده است تا بهتر به درک برسد. عشق در نگاه باباطاهر همدانی دارای جایگاه مهمی است و از احوالات گوناگون عاشق و معشوق و درد و فراقی که بین آن‌ها وجود دارد سخن‌های بسیاری گفته است. در این پژوهش برآنیم که با بررسی دوبیتی‌های باباطاهر همدانی به این مهم دست یابیم که نگاه باباطاهر به عاشق و معشوق چگونه بوده و برای این دو چه مؤلفه‌هایی را در نظر می‌گیرد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون در مورد باباطاهر، پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. این پژوهش‌ها در سه بخش قابل بررسی کرد: الف. **کتاب‌ها:** از جمله کتاب‌های نگاشته شده در مورد موضوع مورد بحث می‌توان به کتاب باباطاهرنامه (هفده گفتار و گزینۀ اشعار) نوشته پرویز اذکابی (۱۳۷۵) و کتاب زندگی‌نامه باباطاهر نوشته هانیه علیزاده نوروزبلاغی (۱۳۹۶) اشاره کرد. ب. **پایان‌نامه‌ها:** از جمله پایان‌نامه‌های نگاشته شده در مورد باباطاهر و دوبیتی‌های او می‌توان به پایان‌نامه «زیبایی‌شناسی دوبیتی‌های فارسی (با تکیه بر دوبیتی‌های باباطاهر عریان و فایز دشتستانی)» نوشته عاطفه قبری صفی‌کوچی (۱۳۹۴)، پایان‌نامه «سبک‌شناسی و فنون ادبی در دوبیتی‌های باباطاهر» نوشته صدیقه کاتبی (۱۳۹۸)، پایان‌نامه «پژوهشی در دوبیتی‌های باباطاهر همدانی (پیشینه تاریخی، ارزش زبانی و ادبی و منابع تدوین و تصحیح دوبیتی‌ها)» نوشته آرمان حسینی آبیاریکی (۱۳۸۹) و دیگر پایان‌نامه‌ها اشاره کرد. پ. **مقالات:** از جمله مقالات نگاشته شده در این زمینه نیز می‌توان به مقاله «چند نکته درباره شیوه تصحیح دوبیتی‌های باباطاهر» نوشته چنگیز مولایی (۱۳۸۱)، مقاله «بررسی ساخت کلان دوبیتی‌های باباطاهر همدانی (عریان) نوشته ناصر رشیدی و ایوب انصاری (۱۳۹۰)، مقاله «بررسی ویژگی‌های زبانی و دستوری دوبیتی‌های باباطاهر همدانی» نوشته آرمان حسینی آبیاریکی (۱۳۹۲)، مقاله «به دنبال معنی واحد در عبارات کثیر (نگاه اندر هم متنی به دوبیتی‌های باباطاهر و کلمات قصار او) نوشته علیرضا آزادی و محمد آزادی (۱۳۹۳)، مقاله «تطور ماهیت معشوق در شعر فارسی از سبک خراسانی تا سبک هندی» نوشته هاجر عسکریان چایجان، محمدرضا شادمنا من، جهان‌دوست سبزه‌علیپور، سید سعید احدزاده و حسین آویان (۱۴۰۰)، مقاله «فناي کلی در مقابل معشوق باقی در دوبیتی‌های باباطاهر عریان همدانی» نوشته محبوبه مسلمی‌زاده (۱۴۰۱) و دیگر مقالات اشاره کرد. این پژوهش‌ها اغلب در مورد ویژگی‌های



زبانی و زیبایی‌شناسی، ویژگی‌های اخلاقی و عرفانی در دوبیتی‌ها، شرح حال باباطاهر همدانی، کتاب‌شناسی مربوط به آثار باباطاهر و دوبیتی‌هایی است که دیگر پژوهشگران آن‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند. در پژوهش‌های مربوط به این شخصیت مضامین مختلفی به چشم می‌خورد و بسیاری از مشرب‌های فکری و اعتقادی باباطاهر نمایان شده است. با توجه به آنچه گفته شد، بی‌گمان در میان پژوهش‌های انجام شده، تاکنون پژوهشی مستقل با عنوان ویژگی‌های معشوق در دوبیتی‌های عامیانه باباطاهر همدانی نگاشته نشده است هر چند بسیاری از پژوهش‌ها به صورت جزئی در موضوعی متفاوت، این نکته را نیز بیان کرده‌اند؛ این خلأ پژوهشی، موجب شد که نگارندگان این جستار به چنین پژوهشی بپردازند؛ بنابراین این پژوهش می‌تواند نکاتی در خور بحث را ارائه کند.

۱-۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع هدف، در زمره پژوهش‌های بنیادی است و بنا دارد با رویکردی تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع مکتوب، دوبیتی‌های باباطاهر همدانی را مورد بررسی قرار دهد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهشی روش کتابخانه‌ای است. روش استدلالی تحقیق در این جستار روش استقرایی (جز به کل) و روش تحقیق داده‌ها نیز روش کیفی و تا اندازه‌ای نیز کمی است. در این پژوهش بر آنیم به بررسی اجمالی تأثیری که ادب عامه بر دوبیتی‌ها و طرز فکر باباطاهر همدانی گذاشته است، پردازیم و با نگاهی ژرف به دوبیتی‌ها؛ جایگاه معشوق و طرز تفکر شاعر نسبت به معشوق را بررسی کرده و بیان کنیم که شمایل و ظاهر مدنظر معشوق برای باباطاهر همدانی به چه صورت است. در هر گونه از گونه‌های مورد بررسی در دیوان باباطاهر، شماره دوبیتی‌های برای هر کدام از گونه‌ها در مقابل تحلیل‌های مربوط نوشته شده است.

۲ بحث و بررسی (جایگاه معشوق و عاشق در دوبیتی‌های عامیانه باباطاهر همدانی)

۱-۲. توصیف ویژگی‌های ظاهری معشوق

در اغلب اشعار و در بسیاری از قالب‌ها، معشوق و ستودن ویژگی‌های ظاهری معشوق جزو ارکان اصلی شعری بوده است. در این گونه مضامین معشوق دارای جایگاه مهمی است و هر کدام از اجزای بدن معشوق مورد ستایش شاعر قرار می‌گیرد. در دوبیتی‌هایی که در دیوان باباطاهر مورد بررسی قرار گرفت، معشوق از نگاه‌های متفاوتی مورد ستایش قرار گرفته است. عمده‌ترین آن‌ها:

یکی دانستن معشوق با خود (ص ۱ دوبیتی ۵)، دلیل حال خوب، یکی دانستن معشوق با گل، کوهسار و بنفشه (ص ۶ دوبیتی ۳۶)، صورت مانده شده به گل و موی معشوق مانده شده به سنبل که صورت معشوق در زیر موهایش پنهان شده است (ص ۸ دوبیتی ۴۷)، زلف معشوق را با خراج ملک ری یکی دانستن (ص ۳۵ دوبیتی ۲۱۸) می‌باشد.

اگر دل دلم بر و دلم بر کدام است و گرد دلم بر دلمو دل را چه نام است
دل و دلم بر بهم آهسته و یکنم ندونم دل که و دلم بر کدام است
(همدانی، ۱۳۱۱)



دو چ ش هونَت پیا له پر ز مِ بی دو ز ل فونَت خراج مـ لُک ری بی
هی و عده کِری ا مروز و فردا ندونم مو که فردای تو کِی بی
(همدانی، ۱۳۱۱)

تار ز لفت چرا بر لاله دیری نر گس را ناز در د ن با له دیری
سری روزی بع شقم در نیاری که در سر ناز چندین ساله دیری
(همدانی، ۱۳۱۱)

مهم‌ترین نمودهای توصیف ویژگی‌های ظاهری معشوق در دوبیتی‌های باباطاهر همدانی عبارتند از:

۲-۱-۱. خال

یکی از مواردی که مورد نظر باباطاهر همدانی برای توصیف معشوق بوده، خال معشوق است. خالی که سیاه است و مرکز وجودی می‌باشد و خال معشوق را به این دلیل سیاه دانسته است که نزدیک به خورشید یعنی صورت معشوق می‌باشد:

خور آ یین چه پهرهات ا فرو ته تر بی ب چا نم تیر ع شقت دو ته تر بی
ز چه خال رخت ذونی سیا هه هر آن نزدیک خور بی سوته تر بی
(همدانی، ۱۳۱۱)

گاهی نیز باباطاهر خال معشوق را برابر با اختر معرفی می‌کند تا جایی که خال معشوق را برتر می‌داند:

ز خور این چه پهرهات ا فرو ته تر بی تیر ع شقت ب چا نم رو ته تر بی
مرا اختر بود خال سیا هت ز مو یارا که اختر سوته تر بی
(همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۱-۲. گیسوی

از جمله مواردی که در دوبیتی‌های باباطاهر به آن پرداخته شده است، گیسوی معشوق است. در ادامه دوبیتی‌هایی که مربوط به گیسوی معشوق می‌باشند همراه با شماره هر کدام از دوبیتی‌ها از دیوان باباطاهر به شرح دکتر وحید دستگردی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. باباطاهر در اغلب دوبیتی‌هایی که در مورد گیسوی معشوق گفته آن را ستوده است. در دوبیتی‌های باباطاهر، گیسوی معشوق از مُشک چین سیاه‌تر، هزارن دل در بند گیسویش، برابر با گل ژاله، خوش‌بو، مسلسل، پریشان و دیوانه‌کننده است. در ادامه نمونه‌هایی برای این مورد آورده می‌شود.

ن س ی می کز بُن آن کاکُل آ یو مرا خوش تر ز بوی س ن بل آ یو
چو شو گمیرم خیالت را در آغوش سحر از ب س ترم بوی گل آ یو
(همدانی، ۱۳۱۱)



مسلسل زلف بر رو ریته دیری گل و سنبل بهم آمیخته دیری
 پریشان چون کری آن تار زلفان پهر تاری دلی آویخته دیری
 (همدانی، ۱۳۱۱)

ز مُشک چین سیه تر سنبلت بی هزاران دل بقید کاک - ملت بی
 نیا شد ناله ام را در دلت راه ز خارها سخت تر گویا دلت بی
 (همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۱-۳. صورت

در دوبیتی‌های باباطاهر صورت معشوق هم چون مه پاره است که عاشق را به بی‌قراری می‌کشاند:

بشو محو رخ مه پاره هستم بیروز از درد و غم بیچاره هستم
 تو داری در م‌کان خود قراری مویم که در جهان آواره هستم
 (همدانی، ۱۳۱۱)

در دوبیتی‌ای دیگر صورت معشوق خود را زیبایی سیمین خوانده است و از ترکیب سیمین عذار استفاده کرده که عاشق را به جنون کشانده است:

دلا چونی دلا چونی دلا چون همه خونی همه خونی همه خون
 ز پهر لیلی سیه مین عذاری چو م‌جنونی چو م‌جنونی چو م‌جنون
 (همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۱-۴. ابروی

کمان، طاق، محراب و... از جمله مواردی است که شاعران ابروی معشوق را به آن تشبیه کرده‌اند. ابرو و حرکاتی که دارد یکی از هزار دلایلی است که دل از عاشق می‌برد. در دیوان باباطاهر ابرو به طاق تشبیه شده است. باباطاهر برای آن که غم حاصل از عشق را بیان کند، سوگند به ابروی معشوق می‌خورد و نیز به جفت بودن ابرو اشاره شده است که یکی از معیارهای زیبایی برای بانوان بوده است:

بوره یک شو م‌نور کن و ثاقم مهل در م‌جنت و درد فراقم
 بطاق جفت ابروی ته سوگند که مو جفت غم‌م تا از طاقم
 (همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۱-۵. چشم

در دوبیتی‌های باباطاهر، چشم معشوق با صفاتی چون خمارین، پرخواب، مست و سرمه ریز آمده است. چشم همواره مورد توجه هر شاعری بوده است و درباره آن بسیار سخن گفته‌اند و یکی از اعضای مهمی که عاشق پیوسته به یاد معشوق است، چشم است:



نگار تازه خیز مو ک جایی بچ شمان سر مه ریز مو ک جایی
 نفس بر سپنه طا هر ر سیده دم مردن عزیز مو ک جایی
 (همدانی، ۱۳۱۱)

باباطاهر در یک دوبیتی بی پرده این نکته را یادآور شده است که چشم مست معشوق موجب این می شود که بسیاری از افراد تحت تأثیر وجود معشوق قرار بگیرند:

هران دل بر که چشم مست داره هزاران چون م نی پاب ست داره
 میان عاشقان آن ماه سپه ما چو شعر من بلند و پ ست داره
 (همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۱-۶. قامت

در نظر بسیاری از شعرا قامت بلند معشوق باعث بهتر دیده شدن معشوق می شود. قامت معشوق است که به شاعر شخصیت می دهد و انگیزه ای برای آن است که از معشوق خود سخن براند. عمدتاً قامت معشوق با عناوین مختلفی ذکر می شود که از جمله آن ها می توان به سرو قامت، سرو سهی، بالا بلند و ... اشاره کرد. در دوبیتی های مورد بررسی در دیوان باباطاهر، قامت معشوق اغلب به نخل نوبر، نهال، رعنا سرو آزاد مانند شده است. در اغلب موارد عاشق، به قامت معشوق خویش می نازد و آن را ستایش می کند و نمودهای قامت معشوق را در بسیاری از جاها مشاهده می کند:

ک سی که ره به پیدادم بره نی خ بر بر سرو آزادم بره نی
 تمام خوبرویان جمع گردند ک سی که یادت از یادم بره نی
 (همدانی، ۱۳۱۱)

گلمش در زیر سنبیل سایه پرور نهال قامتش نخلی است نوبر
 ز عشق آن گل رخسار سوری چو بلبل ناله و افغان برآور
 (همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۲. توصیف ویژگی های رفتاری معشوق

۲-۲-۱. بی اعتنایی

عاشق همواره در پی آنست که با معشوق خود ملاقات و گفت و گو داشته باشد. در این بین معشوق در اغلب موارد جوابی به این توجه های عاشق نمی دهد. عاشق در اغلب موارد پیامی عاشقانه برای گفتن دارد، اما معشوق تمایلی برای دریافت این پیام ندارد. گاهی عاشق آن قدر در این راه پراز خطر به پیش می رود که در بعضی موارد دچار مشکلات و موانعی می شود و معشوق بدون آن که به این موارد توجهی داشته باشد، گاهی حتی با ریشخند به آن می نگرد. اینک دوبیتی های مربوط به بی اعتنایی معشوق:

عاشق از بی توجهی معشوق به راهی دور می رود (ص ۱۵ دوبیتی ۸۶)، معترض به غم هایی از جانب معشوق است (ص ۱۹ دوبیتی ۱۱۹)، عاشق خواهان مهربانی نگاه معشوق و تأیید اوست (ص ۱۹ دوبیتی ۱۲۲)، عاشق خدا را واسطه قرار می دهد



(ص ۲۰ دویستی ۱۲۳)، معشوق را یار بی تدبیر خطاب می کند (ص ۲۰ دویستی ۱۳۰)، خواهان آمدن معشوق و دیدن محجوری اوست (ص ۲۲ دویستی ۱۴۱)، جرم خود را دوست داشتن می داند و بر هم نوعان خود ترحم می کند (ص ۲۶ دویستی ۱۶۶)، معشوق را از آه دل عاشق می ترساند (ص ۲۸ دویستی ۱۷۵)، قدرت معشوق، عاشق را از پا می اندازد (ص ۳۰ دویستی ۱۹۴)، معشوق از جان سوخته خبر ندارد چون بی رحم است (ص ۳۶ دویستی ۲۲۴)، تهدید به آه کردن می کند زیرا آه دل عاشق سوزاننده است (ص ۳۷ دویستی ۲۳۲)، اعتراض به رنج زمانه و غم از طرف معشوق (ص ۳۹ دویستی ۲۴۱)، معشوق اشک عاشق را با اعتنایی تمام نمی بیند و آن لاله باغ نظر می پندارد (ص ۳۹ دویستی ۲۴۲)، معشوق، دل سوخته را لایق عشاقش نمی داند (ص ۴۰ دویستی ۲۵۱)، از دست معشوق دل خود را کربلا معرفی می کند (ص ۴۲ دویستی ۲۷۱)، عاشق از بوستان معشوق چیزی جز خار به دست نیاورده است (ص ۴۳ دویستی ۲۷۶)، معشوق در خواب خوش است و عاشق بی قرار او می باشد (ص ۴۳ دویستی ۲۷۸):

دلم از درد ته دا یم غم ی نه بد با لمن خ شتم و بسترم ی نه
همین جرمم که موته دوست دیرم نه هر کت دوست دیره حالش ای نه
(همدانی، ۱۳۱۱)

موهر شام و سحر گریم بد کوئی که جاری گردد از هر گو شه جوئی
موی بدی چاره اندر باغ و صلت هر آن چه لاله کارم خار روئی
(همدانی، ۱۳۱۱)

دل از دست غمت زیر و زبر بی دو چشم ما نم پر از خون جگر بی
هر آن یار عزیزش ناز و ور بی دلش پرغصه جاننش پر شرر بی
(همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۲-۲. بی وفایی

در دویستی هایی دیوان باباطاهر معشوق جوای احوال عاشق نیست (ص ۲ دویستی ۱۲)، عاشق به امر معشوق محکوم به صبوری است (ص ۵ دویستی ۲۶)، یاری نداشتن معشوق و دست به سر کردن عاشق (ص ۵ دویستی ۳۱)، عاشق غم یار را بدترین درد می داند و مسلمانان را واسطه قرار می دهد (ص ۷ دویستی ۴۰)، عاشق منتظر احوال پرسی معشوق است (ص ۹ دویستی ۵۲)، عاشق معترض به این است که معشوق با اغیار روزگار می گذراند (ص ۹ دویستی ۵۴)، اعتراض به دودلی های معشوق (ص ۱۲ دویستی ۷۳)، معشوق با دیگران حالش خوب است (ص ۱۳ دویستی ۷۶)، عاشق یار خود را بی پروا می داند (ص ۱۳ دویستی ۷۸)، عاشق از وفای معشوق تنها اندوه به دست آورده است (ص ۱۵ دویستی ۸۸)، عاشق معشوق را بی مروت و ناجوانمرد معرفی می کند (ص ۱۸ دویستی ۱۱۲)، عاشق با خود عهد می بند که نامش را نبرد و اگر خلاف این رخ داد خود را کافر بنا (ص ۱۹ دویستی ۱۱۸)، عاشق دعوت به نالیدن از غم عشق می کند (ص ۲۰ دویستی ۱۲۸)، اعتراض به بدقولی معشوق (ص ۲۲ دویستی ۱۳۹)، عاشق مدرکی نشان می دهد که یار بی وفا می باشد (ص ۲۴ دویستی ۱۵۷)، غم را در برابر



بی‌وفایی معشوق مناسب‌ترین همدم می‌داند (ص ۲۵ دوبیتی ۱۶۲)، وفای معشوق را کوتاه مدت می‌داند (ص ۳۲ دوبیتی ۲۰۸)، وفارا در معشوقان شیراز می‌بیند (ص ۳۹ دوبیتی ۲۴۴)، تنها آرزوی او معشوق لالاروی می‌باشد (ص ۴۰ دوبیتی ۲۴۹)، معشوق را به صفت بی‌وفایی کامل می‌داند و معترض است که چرا از کار خود دست بر نمی‌دارد (ص ۴۰ دوبیتی ۲۵۲)، بیان می‌کند که اگر همدم من نیستی چرا مرا امیدوار می‌کنی (ص ۴۱ دوبیتی ۲۵۷)، عاشق جور معشوق را از سخن گفتن با دیگران بهتر می‌داند (ص ۴۱ دوبیتی ۲۶۳)، معشوق اطلاعی از حال خونین جگران ندارد چون خودش این کار را می‌کند (ص ۴۲ دوبیتی ۲۶۵)، کوتاه بودن وصال یار (ص ۴۵ دوبیتی ۲۸۸):

بوره سوته دلان تا ما بی‌نا لیم زد ست یار بی پروا بی‌نا لیم
 بشینم با بلبل شیدا بگلشن اگر بلبل ناله ما بی‌نا لیم
 (همدانی، ۱۳۱۱)

بع شقت ای دلارا نگر و ستم نوید و صل تو تا نشنو ستم
 بدل تخم و فایت ک شتم آخر بی جز اندوه و خواری ندر و ستم
 (همدانی، ۱۳۱۱)

ز حال خوید شتن مو بی خبر بییم نزو نم در سفر یا در حضر بییم
 فغان از دست تو ای بی مروت هم مین زو نم که عمری در بدر بییم
 (همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۲-۳. ناز معشوق

در دوبیتی‌های باباطاهر هر چه معشوق نازش بیشتر، عاشق بی‌قرارتر است (ص ۴۴ دوبیتی ۲۸۴) و ناز چندین ساله در سر داشتن (ص ۳۵ دوبیتی ۲۲۰) از جمله ویژگی‌های رفتاری متناسب با ناز معشوق است.

۲-۳. توصیف ویژگی‌های رفتاری عاشق

۲-۳-۱. دل‌تنگی

به طور کلی انسان با هر چه که حال خوبی داشته باشد، وابستگی نیز پیدا می‌کند. اغلب بزرگان شعر همواره در پی یافتن معشوق و جست‌وجوی نشانی از او هستند تا دل خود را به آرامش برسانند. با تمام این تفاسیر آنچه که مسلم است، دل‌تنگی همواره با عاشق گوشه‌نشین یار و دمساز بوده و او را تنها نگذاشته است. در دیوان باباطاهر همدانی نیز نشانه‌های دل‌تنگی را به وفور می‌توان دید و سوز دل او را با دوبیتی‌های غمبارش می‌توان دریافت. باباطاهر دل‌تنگی‌های خود را این چنین بیان می‌کند:

دیدن کسانی که معشوق را دیده‌اند (ص ۴ دوبیتی ۲۱)، دل‌تنگی معشوق باعث آزار او شده است (ص ۷ دوبیتی ۴۲)، آرزو دارد شب را با او صبح نماید (ص ۸ دوبیتی ۴۴)، معشوق را هم چون طیبی می‌داند که زاری را درمان می‌کند (ص ۸ دوبیتی ۴۵)، عاشق سر به بیابان گذاشته و زاری می‌کند (ص ۸ دوبیتی ۴۸)، معشوق دوی درد دیوانگی را دامن معشوق معرفی می‌کند (ص ۱۰ دوبیتی ۵۶)، عاشق از دل‌تنگی خسته شده و شروع به شکوه می‌نماید (ص ۱۰ دوبیتی ۶۰)، عاشق



دلنگ معشوقی است که با دیگران به سر می‌برد (ص ۱۴ دوبیتی ۸۱)، عاشق خواهان حضور همیشه معشوق است (ص ۱۵ دوبیتی ۸۷)، روزگار بر وفق مراد نیست و تمام جهان به مثابه زندان و گلخن است (ص ۱۶ دوبیتی ۹۲)، سلامت خود را در دیدار معشوق و کمند او می‌داند (ص ۱۶ دوبیتی ۹۳)، مرگ را برای دیدار معشوق با مهلت خواستن به تأخیر می‌اندازد (ص ۱۶ دوبیتی ۹۴)، جهان بی حضور او زیبایی ندارد (ص ۱۶ دوبیتی ۹۵)، بدون دیدن معشوق روزگار خود را به اتمام رسانده است (ص ۱۸ دوبیتی ۱۱۳)، در انتظار معشوق گریستن (ص ۱۹ دوبیتی ۱۱۵)، عاشق توان آن را دارد که با سوز سینه خود مدعی‌ها را بسوزاند (ص ۱۹ دوبیتی ۱۱۷)، عاشق از دوری معشوق حال خوبی ندارد (ص ۱۹ دوبیتی ۱۲۰)، حاضر است تمام جهان را بدهد تا بتواند با معشوق صحبت نماید و جهان ارزشی برایش ندارد (ص ۱۹ دوبیتی ۱۲۱)، عاشق با توجه به قابلیت‌های خود از دوری معشوق اعتراض می‌کند (ص ۲۱ دوبیتی ۱۳۲)، عاشق در پی آن است که نشان خود را حتی از دورترین مسافت، به معشوق برساند (ص ۲۲ دوبیتی ۱۴۴)، عاشق با دل‌تنگی بسیار، شرم دیدار دارد (ص ۲۳ دوبیتی ۱۴۸)، حضور معشوق باعث درمان است (ص ۲۴ دوبیتی ۱۵۶)، عاشق داغ و نشان عشق معشوق دارد (ص ۲۸ دوبیتی ۱۷۹)، عاشق مردن خود را ترجیح می‌دهد تا اینکه او را نبیند (ص ۳۲ دوبیتی ۲۰۶)، عاشق از شدت زاری مانند نی شده است (ص ۳۶ دوبیتی ۲۲۷)، حال خوش خود را در حضور او می‌داند (ص ۳۷ دوبیتی ۲۲۸)، عاشق در انتظار آمدن معشوق خیال‌بافی می‌کند (ص ۳۸ دوبیتی ۲۳۸) و عاشق مایل است هنگام مرگ روی زیبای معشوق را مشاهده نماید و دلش آرام گیرد (ص ۴۵ دوبیتی ۲۹۴):

بی ته گل شن چو زندانه بچ ش هم گل س تان آذر س تانه بچ ش هم
بی ته آرام و عمر و زندگانی همه خواب پریشانه بچ ش هم
(همدانی، ۱۳۱۱)

هزاران ملک دنیا گر بدارم هزاران ملک عقیق بی گر بدارم
بوره ته دل برم تا با ته واژم که بی روی تو انرا گر بدارم
(همدانی، ۱۳۱۱)

دللم میل گل باغ ته دیره سرا سر سینهام داغ ته دیره
بشم الا لهزاران دل کرم شاد دیم الا له هم داغ ته دیره
(همدانی، ۱۳۱۱)

همه بند تنم مانند نی بی مدا صم درد هجرا نت ز پی بی
مرا سوز و گدازه تا قیامت خدا ذونه قیامت تا بکی بی
(همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۳-۲. پایداری



در اغلب موارد، عاشق در عشق خود نسبت به معشوق وفادار است. عشق و شوق دیدار است که آتش محبت را در سینه عاشق همواره روشن و پایدار کرده و تا لحظه‌ای که موفق به دیدار معشوق و هم‌صحبتی با او نشود، دست از پا نمی‌کشد. عاشق عشق خود نسبت به معشوق را مقدس می‌شمارد و هر چه که موجب شود توجهش نسبت به معشوق کمتر شود را از دایره دید خود خارج می‌نماید و تنها به معشوق می‌اندیشد. با بررسی‌هایی که در دیوان باباطاهر، شاعر سوخته‌دل انجام شد؛ به این نتیجه رسیدیم که عاشقی که پایدار و وفادار در راه معشوق است دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

عاشق خود را گرگ گرسنه می‌داند (ص ۴ دوبیتی ۲۰)، عاشق، حضور معشوق را برای همه می‌ستاید (ص ۴ دوبیتی ۲۳)، آسایش خود را در معشوق می‌بیند (ص ۶ دوبیتی ۳۴)، درد خود را یگانه می‌داند (ص ۹ دوبیتی ۵۰)، عاشق ننگ و بدنامی را به جان می‌خرد (ص ۹ دوبیتی ۵۵)، عاشق تنها خود را لایق معشوق می‌داند (ص ۱۱ دوبیتی ۶۴)، عاشق با تمام سختی‌ها پذیرای معشوق است (ص ۱۲ دوبیتی ۷۲)، اعتراض به منع عشق از سوی دیگران و سوگند دادن (ص ۱۳ دوبیتی ۷۴)، سخت‌جانی و یکتا دانستن معشوق (ص ۱۳ دوبیتی ۹۷)، سلب آسایش از خود و آسایش را برای معشوق خواستن (ص ۱۸ دوبیتی ۱۱۴)، خود را با خاک پای سگ معشوق یکی می‌داند (ص ۱۹ دوبیتی ۱۱۶)، عهد وفاداری می‌بندد (ص ۲۰ دوبیتی ۱۲۶)، در سخت‌ترین شرایط به یاد معشوق بودن (ص ۲۳ دوبیتی ۱۵۲)، سوگند خوردن (ص ۲۵ دوبیتی ۱۵۹)، تلاش برای متقاعد ساختن معشوق (ص ۲۵ دوبیتی ۱۶۴)، ترس از نبودن معشوق (ص ۲۷ دوبیتی ۱۷۳)، قناعت در همه موارد حتی دیدار معشوق (ص ۲۸ دوبیتی ۱۷۷)، بی‌قرار از نبودن معشوق است (ص ۲۸ دوبیتی ۱۸۰)، نازیدن به معشوق (ص ۲۹ دوبیتی ۱۸۹)، چشم از دیگران بستن (ص ۳۰ دوبیتی ۱۹۱)، نبودن معشوق را از بودن دیگران با ارزش‌تر می‌داند (ص ۳۰ دوبیتی ۱۹۷)، معشوق را دلیل حال خوب خود می‌داند (ص ۳۵ دوبیتی ۲۲۲)، دلی که عشق نداند را لایق نبودن می‌داند (ص ۴۰ دوبیتی ۲۵۰)، عاشق نبودن و نابودی خود را در برابر آسایش و عشق معشوق ملاک می‌گیرد (ص ۴۵ دوبیتی ۲۹۰):

دلم بی و صل ته شادی م بی ناد
 بخیر از محنت آزادی م بی ناد
 خراب آباد دل بی مقدم ته
 ا لاهی هرگز آبادی م بی ناد
 (همدانی، ۱۳۱۱)

ا گر آئی بی جانت و نوازم
 و گر نایی ز هجرانت گدازم
 بی یا دردی که داری بر دلم نه
 بی هم‌یرم یا بسوزم یا بسازم
 (همدانی، ۱۳۱۱)

بوالله که جانا نم توئی تو
 بس سلطان عرب جانا نم توئی تو
 نه میدونم که چونم یا که چنم
 هم‌یدونم که در مانم توئی تو
 (همدانی، ۱۳۱۱)



مرا ع شقت ز جان آذر براره ز پی کر م شت خاک ستر براره
 نهال م هرت از دل گر به رُن هزاران شاخ هر سو سر براره
 (همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۳-۳. غیرت‌ورزی

اغلب شاعران معشوق و توجه او را برای خود می‌خواهند و از این که یک نفر دیگر در این بین پیدا شود و موجب از دست رفتن توجه و یا خود معشوق شود احساس خوبی ندارند. شاعران برای رقیب و یا شخص سوم که به نوعی مزاحمتی برای آسایش و رفاه فکری عاشق شده است آرزوهای خوبی ندارد و از او به بدی یاد می‌کند:

باباطاهر گاهی خداوند را مورد عشق قرار می‌دهد (ص ۱ دوبیتی ۲)، از تمنای دیگر رقیبان به معشوق ناراحت است (ص ۵ دوبیتی ۲۹)، عاشق از فکر کردن معشوق به کسی دیگر آه می‌کشد (ص ۱۸ دوبیتی ۱۱۱)، عاشق با آه خود قادر است مدعیان را از بین ببرد (ص ۱۹ دوبیتی ۱۱۷)، باباطاهر برای رقیب آرزوی خستگی می‌کند و رقیب را لایق این می‌داند که خنجری در سینه‌اش فرو رود و آرزو دارد که در مدت زمان اندکی فوت نماید (ص ۲۱ دوبیتی ۱۳۳):

هزاران غم بدل اندو ته دیرم به سه ی نه آت شی افرو ته دیرم
 به یک آه سحر گاه از دل تنگ هزاران مدعی را سو ته دیرم
 (همدانی، ۱۳۱۱)

المهی د شمنت را خسته و ی‌نم به سینه اش خنجرى تا د سته و ی‌نم
 سر شو آیم احوالمش ی‌پر سم سحر آیم مزارش به سته و ی‌نم
 (همدانی، ۱۳۱۱)

۲-۴. آشفنگی ذهنی باباطاهر در ویژگی‌های ظاهری و رفتاری

در دیوان باباطاهر بعضی از دوبیتی‌ها دارای هر دو ویژگی ظاهری یا رفتاری عاشق یا معشوق هستند. به این صورت که ممکن است یک دوبیتی هم در مورد گیسوی معشوق (ویژگی ظاهری) باشد و درباره ابروی معشوق (ویژگی ظاهری) نیز سخنی برای گفتن داشته باشد. که ما این ویژگی را زیر عنوان آشفنگی ذهنی باباطاهر می‌آوریم. در ادامه دوبیتی‌های که دارای این ویژگی هستند را بررسی خواهیم کرد:

دوبیتی ۸ (ص ۲) پایداری برای معشوق و بی‌اعتنایی معشوق (ویژگی رفتاری عاشق + ویژگی رفتاری معشوق)؛
 دوبیتی ۳۹ (ص ۷) پایداری برای معشوق و توصیف حال معشوق (ویژگی رفتاری عاشق + ویژگی ظاهری معشوق)؛
 دوبیتی ۶۶ (ص ۱۱) و دوبیتی ۷۳ (ص ۱۲) توصیف گیسوی معشوق و بی‌وفایی معشوق (ویژگی ظاهری معشوق + ویژگی رفتاری معشوق)؛

دوبیتی ۹۷ (ص ۱۶) پایداری برای معشوق و بی‌وفایی معشوق (ویژگی رفتاری عاشق + ویژگی رفتاری معشوق)؛
 دوبیتی ۱۷۰ (ص ۲۷) توصیف گیسو و چشم معشوق (دو ویژگی ظاهری معشوق)؛
 دوبیتی ۱۹۲ (ص ۳۰) توصیف گیسو و ابروی معشوق (دو ویژگی ظاهری معشوق)؛



دویستی ۱۹۴ (ص ۳۰) پایداری برای معشوق، بی‌وفایی و بی‌اعتنایی معشوق (یک ویژگی رفتاری عاشق + دو ویژگی رفتاری معشوق)؛

دویستی ۲۱۶ (ص ۳۴) توصیف قامت، چشم و مو (سه ویژگی ظاهری معشوق)؛

دویستی ۲۶۷ (ص ۴۲) به پایداری برای معشوق و توصیف قامت معشوق (ویژگی رفتاری عاشق + ویژگی ظاهری معشوق)؛

دویستی ۲۹۳ (ص ۴۵) بی‌اعتنایی و بی‌وفایی معشوق (دو ویژگی رفتاری معشوق) اشاره دارند.

۳. نتیجه‌گیری

همواره ادب عامه و ادب رسمی رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند و در بسیاری از موارد می‌توان نشانه‌های آن‌ها را دید. ادب عامه به دلیل گستردگی‌ها و تنوع‌های موضوعی فراوانی که دارد محلی برای اظهار ذوق شاعران فراوانی است. باباطاهر همدانی یا پیر عریان، از دسته همین شاعرانی است که به گویش محلی خود ارج و بهایی فراوان نهاده و بسیاری از اشعار خود را بر طبق شیرینی گویش محلی خود سروده است. در این پژوهش بر آن بوده‌ایم که با نگاهی به دیوان باباطاهر به شرح وحید دستگردی، دریابیم که جایگاه معشوق و عاشق در دویستی‌های باباطاهر چگونه است و مهم‌ترین محورهایی که در رابطه با معشوق و عاشق در دیوان این شاعر سوت‌ده‌دل موجود است به چه ترتیبی می‌باشد. بررسی دیوان باباطاهر همدانی نشان می‌دهد که عشق و محبت از مفاهیم اصلی شعر این شاعر و معشوق یکی از کلیدی‌ترین عناصر شعر اوست. باباطاهر در توصیف ویژگی‌های ظاهری معشوق پیرو سنت‌های ادبی پیشین شعر فارسی بوده و از میان این ویژگی‌ها به توصیف خال، گیسو، صورت، ابرو، چشم و قامت معشوق پرداخته که بیشترین بسامد آن مربوط به توصیف گیسوی معشوق است و در توصیف ویژگی‌های رفتاری معشوق به بی‌اعتنایی، بی‌وفایی و ناز معشوق پرداخته که بیشترین بسامد آن به ترتیب مربوط به بی‌اعتنایی معشوق به عاشق و بی‌وفایی معشوق است. در دیوان باباطاهر همدانی به نمونه‌هایی از توصیف ویژگی‌های رفتاری عاشق نیز اشاره شده که از میان این ویژگی‌ها و به ترتیب بسامد باید به دل‌تنگی، پایداری و غیرت‌ورزی عاشق در برابر معشوق اشاره کرد. در شعر باباطاهر و در ابیاتی ویژگی ظاهری و رفتاری به صورت توأمان نیز به کار رفته است. در پایان این که معشوق اگر چه دارای ویژگی‌هایی منفی رفتاری مانند بی‌اعتنایی، بی‌وفایی و... است ارزش تحمل جفا و بی‌رحمی را دارد که وسیله‌ای برای رسیدن به عشق الهی است.



منابع و مآخذ

- آزادی، علیرضا، آزادی، محمد. (۱۳۹۳). «به دنبال معنی واحد در عبارات کثیر (نگاه اندرهم متنی به دوبیتی‌های باباطاهر و کلمات قصار او)»، *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)*، سال ۶۷، شماره ۲۲۹، صص ۲۱-۱.
- اذکایی، پرویز. (۱۳۷۵). باباطاهرنامه (هفده گفتار و گزیده اشعار)، چاپ اول، تهران: توس.
- حسینی آبیاریکی، آرمان. (۱۳۹۲). «بررسی ویژگی‌های زبانی و دستوری دوبیتی‌های باباطاهر همدانی»، پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۵، شماره ۲۲، صص ۳۹-۶۱.
- حسینی آبیاریکی، آرمان. (۱۳۸۹). پژوهشی در دوبیتی‌های باباطاهر همدانی (پیشینه تاریخی، ارزش زبانی و ادبی و منابع تدوین و تصحیح دوبیتی‌ها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران: اهواز.
- ذوالفقاری، حسن؛ احمدی، لیلا. (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران»، مجله ادب پژوهی، شماره هفتم و هشتم، صص ۱۷۰-۱۴۴.
- رشیدی، ناصر؛ انصاری، ایوب. (۱۳۹۰). «بررسی ساخت کلان دوبیتی‌های باباطاهر همدانی (عریان)»، بوستان ادب شیراز، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ۸، صص ۱۴۳-۱۲۳.
- ستوده، غلامرضا؛ باباصغری، علی اصغر؛ محمدپور، محمدامین. (۱۴۰۱). «بررسی و تجلی مضمون و درون‌مایه در ترانه‌های عاشقانه محلی ایرانی»، مجله علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال دوازدهم، شماره سی و نه، صص ۷۴-۵۷.
- طاهری عبده‌وند، ابراهیم، کریمی نورالدین‌وند، روح‌الله. (۱۳۹۸). «تصاویر و توصیف‌های پیکر معشوق در اشعار عامیانه بختیاری»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۲۸-۱۰۱.
- عسکریان چایجان، هاجر؛ شادمنان، محمدرضا؛ سبزه‌علیپور، جهان‌دوست؛ احدزاده، سیدسعید؛ آریان، حسین. (۱۴۰۱). «تطور ماهیت معشوق در شعر فارسی (از سبک خراسانی تا سبک هندی)»، فصلنامه بهارستان سخن، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۱۹۴-۱۶۹.
- علیزاده نوروزبلاخی، هانیه. (۱۳۹۶). زندگی‌نامه باباطاهر، چاپ اول، تهران: کوی ۱۲.
- قنبری صفری کوچی، عاطفه. (۱۳۹۴). زیبایی‌شناسی دوبیتی‌های فارسی (با تکیه بر دوبیتی‌های باباطاهر عریان و فایز دشتستانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولی عصر (عج): رفسنجان.
- قوام، ابوالقاسم؛ اسپرغم، ثمین. (۱۳۹۴). «بررسی استعاره‌های عشق و معشوق در دوبیتی‌های عامیانه منطقه خراسان بر بنیاد نظریه استعاره‌شناختی»، کهن‌نامه ادب فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره سوم، صص ۱-۲۷.
- کاتبی، صدیقه. (۱۳۹۸). سبک‌شناسی و فنون ادبی دوبیتی‌های باباطاهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.



- مجبئی، مهدی؛ شکوفگی، حامد. (۱۳۹۹). «سیر رباعی - قصه از سنایی تا مولانا»، نشریه پژوهشنامه عرفان، دوره ۱۱، شماره ۲۳، صص ۱۹۲-۱۶۳.
- مسلمی‌زاده، محبوبه. (۱۴۰۱). «فناي کلی در مقابل معشوق باقی در دوبیتی‌های باباطاهر عریان همدانی»، مقاله ارائه شده در سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ، <https://civilica.com/doc/1582855>
- مولایی، چنگیز. (۱۳۸۱). «چند نکته درباره شیوه تصحیح دوبیتی‌های باباطاهر»، نامه فرهنگستان، سال پنجم، شماره، صص ۷۴-۸۳.
- همدانی، باباطاهر. (۱۳۱۱). دیوان کامل باباطاهر همدانی، به طبع دکتر وحید دستگردی همراه با مقدمه رشید یاسمی، چاپ دوم، طهران: مطبعة ارمغان.